



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال یازدهم / شماره چهل و یکم / بهار ۱۴۰۱

تبیین رابطه بین پیچیدگی گزارشات مالی مورد استفاده سرمایه گذاران با حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامرضا بیگلر خانی

گروه حسابداری واحد بین المللی کیش دانشگاه آزاد اسلامی جزیره کیش ایران

قدرت اله طالب نیا

دانشیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری واحد علوم و تحقیقات تهران ایران (نویسنده مسنول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

چکیده

امروزه بحث و نگرانی ها در خصوص پیچیدگی در نظام های گزارشگری مالی در کل دنیا برای سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از گزارشات مالی اهمیت فزاینده ای یافته است و موضوع پیچیدگی گزارشگری مالی از مهمترین دغدغه های سرمایه گذاران ، قانون گذاران ، حسابرسان ، ناظرین بورس اوراق بهادار و سازمان های مختلف می باشد ، که عوامل مختلفی به آن وابسته است. نقش حاکمیت شرکتی که باعث افزایش قدرت اتکاء به گزارشگری مالی می شود در کنار بحث پیچیدگی های گزارشگری مالی مفهومی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی رابطه بین پیچیدگی گزارشات مالی با حاکمیت شرکتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. به همین منظور با استفاده از اطلاعات ده ساله صورت های مالی شرکت های نمونه پذیرفته شده در بورس که طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ به صورت حذفی انتخاب شدند و با بکارگیری نرم افزارهای آماری و اقتصادسنجی به بررسی فرضیه های تبیین شده برای این پژوهش پرداختیم. نتایج آزمون فرضیات در این پژوهش نشان می دهد که بین پیچیدگی گزارشات مالی با حاکمیت شرکتی در شرکتهای رابطه معکوس و معناداری برقرار است و با اعمال هرچه بیشتر مکانیزم های حاکمیت شرکتی ، پیچیدگی و ابهامات در گزارشگری مالی کاهش می یابد و منجر به ارتقای قابلیت فهم این گزارشات برای سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکتهای میگردد.

واژه های کلیدی: پیچیدگی گزارشگری مالی، حاکمیت شرکتی، تمرکز مالکان.

۱- مقدمه

فراهم آوردن اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان خارجی از صورت‌های مالی، یکی از اهداف مهم گزارشگری مالی شرکت‌ها است. اطلاعات به منظور مفید بودن برای تصمیم‌گیری باید قابل فهم، مربوط، قابل اعتماد و قابل مقایسه باشند. افزایش میزان تقلب به ورشکستگی شرکت‌های بزرگ منجر می‌شود و نگرانی‌هایی را در خصوص کیفیت و شفافیت صورت‌های مالی ایجاد می‌کند؛ از این رو، شناسایی احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، مدیران و حساب‌برسان بوده است. نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد شرکت‌های دارای صورت‌های مالی با خوانایی کمتر، احتمالاً بیشتر از سایر شرکت‌ها به ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی اقدام می‌کنند. افشاء اطلاعات معمولاً از سه بخش شامل محتوا، زمان بندی و نحوه ارائه اطلاعات تشکیل شده است که سودمندی هر یک از آن‌ها به خوانایی و قابلیت فهم گزارش‌های مالی بستگی دارد (کورتیس، ۲۰۰۴). در این راستا، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا در سال ۱۹۶۷ یک گروه مطالعاتی برای ارائه رهنمودهایی به منظور بهبود خوانایی و قابلیت فهم رویه‌های افشای شرکت‌ها تشکیل داد. نتایج این گزارشات که در سال ۱۹۶۹ با عنوان گزارش ویت منتشر شد، توصیه می‌کرد از آنجا که همه سرمایه‌گذاران قادر به فهم سریع گزارشات پیچیده شرکت‌ها نیستند، لذا شرکت‌ها باید از انتشار گزارش‌های پیچیده، طولانی و یا زاید، خودداری نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶).

کمیته مشاوره کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) در مورد بهبود گزارش‌های مالی، پیچیدگی گزارشگری مالی (FRC) را چنین تعریف می‌کند: "دشواری آمادگی برای استفاده صحیح از اصول حسابداری به طور کلی پذیرفته شده در ایالات متحده ایالات متحده (GAAP) و ارتباط با ماده اقتصادی یک معامله یا یک رویداد و وضعیت مالی و نتایج کلی یک شرکت" (کمیسیون اوراق بهادار و بورس، ۲۰۰۸).

عموماً شرکت‌هایی با FRC بالا، محیط اطلاعاتی با مطلوبیت کمتر و ریسک سوء گزارشگری بالاتری دارند. پیشینه و ادبیات موجود، عموماً این یافته‌ها را نسبت می‌دهد به سطوح بالای FRC که نشان دهنده‌ی انتخاب عمومی مدیران شرکت برای مبهم نمودن گزارش‌های مالی است. اخیراً برخی مطالعات نشان داده‌اند که FRC در ابتدا به جهت پیچیدگی عملیات تجاری شرکت‌ها و استانداردهای حسابداری ایجاد می‌شوند تا قصد مبهم نمودن گزارش‌ها.

اهمیت کیفیت گزارشگری مالی و نقش حاکمیت شرکتی در بهبود آن، که در نهایت می‌تواند به ایجاد جو اعتماد و اطمینان در بازارهای سرمایه و در نتیجه تخصیص بهینه منابع منجر شود. شکست‌های گسترده در گزارشگری مناسب و افشای اطلاعات، نیاز به بهبود کیفیت اطلاعات مالی و تقویت کنترل مدیران از طریق تدوین ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی را بیش از پیش در کانون توجه قرار داده است. در حقیقت، اطلاعات و گزارش‌های مالی مبنایی برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری توسط فعالان بازار سرمایه فراهم می‌آورد. این گزارش‌ها برای مالکان، اعتباردهندگان شرکای تجاری و قانون‌گذاران در راستای تحلیل عملکرد گذشته شرکت سودمند است، همچنین آن‌ها می‌توانند بر اساس این اطلاعات سودآوری آتی را پیش‌بینی کرده و بر اقدامات مدیران نظارت کنند (بوشمن و اسمیت ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳).

بین حاکمیت شرکتی ضعیف و کیفیت گزارشگری مالی، دستکاری سود، تقلب در صورت های مالی و کنترل های داخلی ضعیف ارتباط وجود دارد (کریشنان، ۲۰۰۱) و (کلاین، ۲۰۰۲). همچنین رابطه بین حاکمیت شرکتی ضعیف و مدیریت سود بیشتر که نشان دهنده کیفیت کمتر گزارشگری مالی است، را نمایان کرده اند. پژوهش های پیشین نشان داده اند بین حاکمیت شرکتی و کنترل های مالی ضعیف و سطح بالاتری از تقلب در سطح صورت های مالی رابطه ای وجود دارد (بیسلی، ۱۹۹۶). به طور کلی پژوهش های تجربی حاکی از وجود ارتباطی مستقیم بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی بوده اند.

اتاق بازرگانی بین المللی (۲۰۰۵)، اذعان داشت که هنجارهای حاکمیت شرکتی، برای گزارشگری مالی باکیفیت حیاتی هستند. بیارد، لی و وینتراپ (۲۰۰۶)، در مطالعات خود نتیجه گرفتند که کیفیت اطلاعات گزارش شده با کیفیت حاکمیت شرکتی افزایش می یابد. همچنین دریافتند که سطوح بالاتر حاکمیت شرکتی با ارقام تعهدی اختیاری مطلق کمتر و کیفیت سود بالاتر در ارتباط است. این بدین معنا است که شرکت هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف به احتمال قوی تری دست به مدیریت سود می زنند تا پیش بینی های تحلیلگران را برآورده یا نقض کنند. ناکامی های شرکت های سطح بالا در آمریکا، بریتانیا و سایر قسمت های جهان تا حد بسیاری به ناکامی های آن ها در فرایند گزارشگری شرکتی مربوط بوده است. قانون ها و رهنمون های حاکمیت شرکتی را بیشتر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مانند کانادا، فرانسه، آلمان، هند و غیره با توصیه های مشابه وضع کرده اند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- پیچیدگی گزارشگری مالی

تئوری پیچیدگی چارچوبی برای فکر کردن و در نظر گرفتن جهان ارائه می کند. این تئوری رویدادی را پیش بینی نمی کند، اما قادر است به سازمان جهت شناسایی قابلیت ها و یافتن ریسک های آن ها کمک کند. پیچیدگی سیستم ناشی از قواعد پیچیده نمی باشد، بلکه ناشی از رفتار پیچیده ای است که از روابط درون سازمانی، تعاملات متقابل و ارتباطات دوجانبه عوامل در داخل و بین سیستم و محیط به وجود می آید. پیچیدگی را می توان بر حسب پیچیدگی ساختاری و پیچیدگی عملیاتی طبقه بندی نمود. پیچیدگی ساختاری در رابطه با قابلیت پیش بینی بهای تمام شده محصولات، بهای تمام شده فرآیند تولید و بهای تمام شده مواد اولیه و نیروی کار می باشد. پیچیدگی عملیاتی به بهای تمام شده غیر منتظره تنوع در محصولات ناشی از عدم اطمینان در تقاضای مشتریان مربوط است. همچنین، ممکن است ناشی از زیان تداوم فعالیت سازمان به دلیل کمبودها و کاستی ها باشد (العمودی و کومار، ۲۰۱۷).

پیچیدگی یکی از مهمترین موضوعات گزارشگری مالی است و در میان آنها ابزارهای مالی از همه پیچیده تر است. بورس اوراق بهادار آمریکا (۲۰۰۸)، پیچیدگی گزارشگری مالی را اینگونه تعریف می کند: "مشکل استفاده کنندگان صورت های مالی به منظور درک و تجزیه و تحلیل جزئیات فعالیت های اقتصادی و عملکرد شرکت از طریق پر کردن افشای اطلاعات حسابداری در فرم 10-K" (ACIFR، ۲۰۰۸). پترسون (۲۰۱۲) نیز پیچیدگی

اطلاعات حسابداری را چنین بیان کرد: " پیچیدگی ناشی از مشکلات ذاتی در استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری و ترسیم فعالیت های اقتصادی یک شرکت برای شناخت و اندازه گیری عناصر صورت های مالی با استفاده از قواعد حسابداری است " وی نشان داد که پیچیدگی اطلاعات حسابداری به شناخت درآمد و همچنین ناتوانی در تکمیل فرم ارائه گزارش سالیانه به کمیسیون بورس اوراق بهادار (10-K) مرتبط است. او به سه دلیل بر شناخت درآمد تمرکز می کند. ۱) شناخت درآمد در همه شرکت ها وجود دارد. ۲) اشتباه در گزارشگری درآمد به طور معمول منجر به ارائه مجدد صورت های مالی می گردد. ۳) شواهد غیر رسمی نشان می دهد که شناخت درآمد می تواند پیچیده باشد.

یکی از عواملی که ممکن است بر به موقع بودن ارائه صورت های مالی حسابرسی شده تأثیر گذار باشد، پیچیدگی اطلاعات حسابداری است. از دیدگاه هیأت تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری (۲۰۰۸)، مشکلات پیچیدگی ناشی از موارد زیر است: الف) تعداد ابزارهای مالی اندازه گیری ب) حسابداری پوشش ریسک ج) دامنه استانداردهای حسابداری در خصوص ابزارهای مالی و تعریف ابزارهای مالی د) عدم شناخت ابزارهای مالی (ارائه و افشا و سایر موضوعات (از قبیل واحد حسابداری). برای مثال، به کار بستن رویه صحیح حسابداری تحصیل یک واحد اقتصادی توسط واحد اقتصادی دیگر، مسائل حسابداری نسبتاً پیچیده و مهمی را ایجاد می کند و یا افزایش تعداد محصول شرکت می تواند منجر به افزایش فرآیند مدت زمان تهیه بهای تمام شده محصولات گردد (هیأت تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، ۲۰۰۸).

۲-۲- حاکمیت شرکتی

تاکنون تعاریف زیادی از حاکمیت شرکتی ارائه شده است. لذا تعریف کامل و جامع حاکمیت شرکتی عبارت است از قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ ها و نظام هایی است که موجب دستیابی به هدف های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان می شود. چند چارچوب نظری متفاوت برای توضیح و تحلیل حاکمیت شرکتی مطرح شده است که هر یک از آن ها با استفاده از واژگان مختلف و به صورتی متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته اند که ناشی از زمینه علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می نگرند. به عنوان مثال، تئوری نمایندگی ناشی از زمینه مالی و اقتصادی است، در صورتی که تئوری هزینه معاملات ناشی از تئوری های اقتصادی، حقوقی و سازمانی و تئوری ذی نفعان ناشی از یک دیدگاه اجتماعی در مورد موضوع حاکمیت شرکتی است. هم چنین باید دانست که زمینه های فرهنگی و قانونی بر حاکمیت شرکتی تاثیر بسزایی دارند (هاشمی، ۱۳۹۱). حاکمیت شرکتی در سطح یک شرکت ویژگی هایی همچون تعداد اعضای هیئت مدیره، تفکیک وظایف مدیر عامل از ریاست هیئت مدیره، نسبت اعضای موظف هیئت مدیره، ساختار مالکیت و غیره را در بر می گیرد (گرمسیری و همکاران، ۱۳۹۶)، توجه به موارد ذیل در بحث حاکمیت شرکتی برای شرکت های ایرانی ضروری می باشد. اصلاح ساختار مالکیت شرکتها، توجه به حقوق سهامداران اقلیت، برخورد منصفانه با سهامداران، گسترش سرمایه گذاری نهادی، اصلاح ساختار هیات مدیره، استقرار سیستم

های حسابداری و کنترل داخلی کارآمد و کمیته های تخصصی مرتبط (رهنمای رود پستی، فریدون، ۱۳۸۹، صفحه ۴۲۰)

۲-۱- ساختار شرکت و ویژگی های هیئت مدیره

از زمانی که صاحب کار، عاملی را از جانب خود منصوب نمود و اختیار تصمیم گیری را به او تفویض کرد، رابطه نمایندگی بوجود آمد. در رابطه نمایندگی، فرض می شود که هر یک از طرفین سعی دارند منافع خود را حداکثر نمایند. یکی از راه های مناسب جهت کاهش تضاد نمایندگی، پرداخت پاداش به مدیران بر مبنای عملکرد شرکت می باشد.

ظهور انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم، آغازی برای تشکیل شرکت های سهامی با مسئولیت محدود بود و مشارکت در مالکیت این شرکت ها را برای عموم میسر ساخت. سیستم بازار طوری سازماندهی گردید که مالکان شرکت ها، اداره شرکت را به مدیران شرکت تفویض کردند. جدایی مالکیت از مدیریت منجر به بوجود آمدن مسئله نمایندگی گردید. رابطه نمایندگی برطبق تعریف جنسن و مکلینگ، قراردادی است که براساس آن صاحب کار یا مالک، نماینده یا عامل را از جانب خود منصوب نموده و اختیار تصمیم گیری را به او تفویض می کند. در رابطه نمایندگی، فرض می شود هر یک از طرفین سعی دارند منافع خود را حداکثر نمایند. هدف مالکان نیز حداکثرسازی ثروتشان است. به منظور تقلیل مشکلات نمایندگی ناشی از احتمال عدم هم سویی منافع بین مدیران و سهامداران، باید بر تابع مطلوبیت هر یک از دو طرف و نحوه تسهیم منافع و ریسک بین آن ها تمرکز نمود. بدین ترتیب، می توان مدیران را در به کارگیری توانایی ها و مهارت های شان در راستای منافع مالکان، ترغیب نمود و در آن ها انگیزه ایجاد کرد. پرداخت پاداش بر اساس عملکرد به مدیران، به عنوان جزئی از حق الزحمه آن ها، یکی از روش های مطرح به منظور انگیزش مدیران و یکی از ابزارهای رایج، به منظور همسو نمودن دیدگاه ها و عملکرد مباشران در راستای افزایش ثروت سهامداران است. مسئله مهمی که پرداختن به آن امکان توسعه ثروت و درآمد را افزایش می دهد. تاثیر انواع مالکیت بر عملکرد شرکت ها که در خارج از کشور ذهن نظریه پردازان اقتصادی را به خود مشغول کرده است، در ایران نیز باید محور بسیاری از بررسی ها قرار گیرد. همسو بودن منافع مدیر اجرایی با سهامداران عمده، یک مکانیزم نظارتی مهم است. در اقتصادهایی با مالکیت نامناسب، غالباً سهامداران عمده شرکت، مسئول تغییر پاداش مدیران عامل شرکت ها هستند. تاثیر تمرکز مالکیت، بر انگیزه های مدیر اجرایی متفاوت است. سهامداران عمده انگیزه زیادی دارند تا در مدیریت از طریق پرداخت حقوق به مدیرعامل براساس گزارش عملکرد شرکت، انگیزه ایجاد کنند. طبق تئوری سهامداری راهبری شرکتی، شرکت ها باید به گونه ای اداره شوند که ثروت سهامداران را حداکثر کنند و سهامداران باید حق تصمیم گیری داشته باشند. آلچن و دمستز که پیشگامان تئوری حقوق دارایی ها بوده اند، عنوان کرده اند که راه حل برای کم کاری برخی از اعضا در یک کار تیمی، در نزد سایر اعضای تیم است که از طریق کنترل کردن و داشتن قدرت و اختیار برای رهبری کردن صورت می گیرد. در نتیجه کار کنترلی اعضایی که تمایل دارند کار به خوبی انجام گیرد، از طریق پافشاری آن ها بر اهداف و علایق خود، نهایتاً ارزش کل کار حداکثر خواهد شد (ناظمی، ۱۳۹۳).

۲-۲-۲- تمرکز مالکیت

کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. با دأور نهندی و همکاران (۱۳۸۹) فروغی و فولادی (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که ساختار مالکیت شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران متمرکز بوده و تحت تاثیر دولت است که این سبب ایجاد ریسک مالی و عملیاتی میگردد.

۳-۲- پیشینه پژوهش

آلوز و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی «رابطه میان حاکمیت شرکتی با افشای اختیاری سرمایه فکری» پرداختند. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های بور کشور شیلی بودند که تعداد ۱۱۹ شرکت، از مجموع شرکت‌های بورس شیلی، در بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق به منظور سنجش حاکمیت شرکتی از معیارهای تمرکز مالکیت و اندازه کمیته حسابرسی استفاده شده و جهت سنجش افشای اختیاری سرمایه فکری از ۰ و ۱ استفاده گردید. با توجه به اینکه سرمایه فکری به عنوان متغیر وابسته بود و نحوه سنجش آن دو وجهی بود، از رگرسیون لوجستیک استفاده گردید و نتایج تحقیق نشان داد، پویایی حاکمیت شرکتی یعنی کاهش تمرکز مالکیتی می‌تواند افشای اختیاری سرمایه‌های فکری شرکت‌ها افزایش بخشد و فاصله بین هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد. اما افزایش اندازه کمیته‌های حسابرسی می‌تواند بر افشای بهتر و مطلوب تر سرمایه فکری کمک نماید.

چن و همکاران^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر تحلیل گران مالی و شاخص راهبری شرکتی بر کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت» انجام دادند. آن‌ها با بهره‌گیری از تخصص و کیفیت پیش‌بینی، نشان دادند که کیفیت بالای پیش‌بینی با سطوح بالای سرمایه‌گذاری مرتبط است. بنابراین تخصص بالای تحلیل گران از طریق کاهش سرمایه‌گذاری بیشتر و کمتر از حد، موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین آن‌ها نشان دادند که چنین تاثیری برای شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا و مالکیت نهادی پایین، قویتر است. این نتایج سازگار با این ادعاست که کیفیت بالای پیش‌بینی تحلیل گران، نظارت در محیط اطلاعاتی و محیط خارجی را افزایش داده و به نوبه خود کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد.

چیچیلیا و همکاران (۲۰۱۸)، با مطالعه بر روی پیچیدگی استانداردهای گزارشگری مالی و تخصص حسابداری، بررسی کردند که آیا شرکت‌ها در جستجوی کاهش اثرات منفی پیچیدگی صورت‌های مالی به وسیله سرمایه‌گذاری در تخصص حسابداری هستند یا خیر. آنها معیاری از FRC را بر مبنای پیچیدگی استانداردهای حسابداری که افشاهای سالانه را مقرر می‌کند تدوین کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که FRC با تخصص هیأت مدیره و کمیته حسابرسی رابطه مثبت دارد و تخصص حسابداری ارتباط بین FRC و پیامدهای گزارشگری منفی (بد) را کاهش می‌دهد.

نینگنیاس و شونهاجی (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی تاثیر هزینه های سیاسی، ریسک دعاوی حقوقی، قوانین حمایت از سرمایه گذار، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بر کیفیت گزارشگری مالی با وارد کردن کمیته حسابرسی به عنوان متغیر تعدیل گر پرداخته اند. یافته های آن ها بر اساس برآورد رگرسیون چند متغیره نشان می دهد هزینه های سیاسی و ریسک دعاوی حقوقی، بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر نمی گذارد ولی قوانین حمایت از سرمایه گذار و نسبت بدهی بر حقوق صاحبان سهام، بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر گذار است. نتایج همچنین نشان داد کمیته حسابرسی ارتباط بین نسبت بدهی بر حقوق صاحبان سهام، ریسک دعاوی حقوقی و قوانین حمایت از سرمایه گذار با مدیریت واقعی سود را تعدیل می کند ولی ارتباط بین هزینه های سیاسی و مدیریت واقعی سود را تعدیل نمی کند.

آکجو و باباتوند (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از رگرسیون چندمتغیره در نیجریه پرداختند. آنها بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی از قبیل ویژگی های هیئت مدیره، کمیته های حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری مشاهده کردند و در نهایت نشان دادند حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد.

اندرو و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی چهار ویژگی ابهامات حسابداری، ساختار مالکیت، ساختار هیات مدیره و فرایندها بر سقوط آتی ارزش سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سیستم های حاکمیت شرکتی سبب محدود کردن رفتار فرصت طلبانه مدیران میگردد.

الشائر و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی نقش کمیته های حسابرسی به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات حسابداری با استفاده از رگرسیون چند متغیره در بریتانیا پرداخته اند. نتایج پژوهش آن ها نشان می دهد شرکت های دارای کمیته های حسابرسی با کیفیت بالا، افشاهای باکیفیت تری دارند و شرکت های بزرگ با سهام داران بلوکی، سطوح بالای افشا و کیفیت گزارشگری مالی را دارا هستند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، به مطالعه تأثیر پیچیدگی گزارشگری مالی بر هم حرکتی سهام؛ عامل های ریسک تأخیر حسابداری و غیر حسابداری و کارایی قیمت گذاری سهام در میان سهامداران بزرگ و کوچک پرداختند. نتایج نشان داد میزان هم حرکتی سهام در بین شرکت های دارای پیچیدگی گزارشگری مالی بالا، بیشتر از شرکت های با پیچیدگی های گزارشگری پایین می باشد و این نتیجه در راستای تئوری انتخاب اطلاعات و پژوهش سرهنگی و همکاران (۱۳۹۳) می باشد. به علاوه تأثیر پیچیدگی گزارشگری مالی بر هم حرکتی سهام، عامل های ریسک تأخیر حسابداری و غیر حسابداری قیمت سهام و کارایی قیمت گذاری سهام در میان سهامداران کوچک نسبت به سهامداران بزرگ، بیشتر است و این نتایج در راستای تئوری اقتصاد اطلاعات و نتایج پژوهش ابراهیمی (۱۳۹۱) می باشد.

ورهرامی و محمدی (۱۳۹۹)، به بررسی تأثیر دوره همکاری مدیرعامل و مدیرحسابرسی داخلی بر پیچیدگی گزارشگری مالی پرداختند. جهت اندازه گیری پیچیدگی گزار شگری مالی از تعداد صفحات گزارش سالانه ی

فعالیت هیئت مدیره به عنوان معیار پیچیدگی (گزارش‌های طولانی‌تر؛ پیچیدگی بیشتر) استفاده شده است. یافته حاصل از پژوهش بیانگر آن بود که دوره‌ی همکاری طولانی‌تر بین مدیرعامل و مدیرحسابرسی داخلی منجر به افزایش پیچیدگی گزارشگری مالی می‌شود. علت این امر آن است که هرچقدر دوره‌ی همکاری بین آنها طولانی‌تر شود، مدیرعامل و مدیرحسابرسی داخلی دست به تبنانی می‌زنند و به منظور پنهان ساختن عملکرد ضعیف مدیریت از دید سرمایه‌گذاران، گزارش‌های طولانی‌تر (صفحات بیشتر؛ پیچیده‌تر) منتشر می‌کنند.

صادقیان و همکاران (۱۳۹۸)، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، تأثیر بسزایی در بروز رفتارهای حرفه‌ای دارند. گزارشگری مالی نیز بخش با اهمیت حرفه‌ی حسابداری بوده و بیانگر وضعیت مالی و عملکرد بنگاه تجاری در یک دوره عملیات است. هدف این پژوهش شناخت ارتباط ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و جهت‌گیری اخلاقی در بروز گزارشگری مالی متقلبانانه است. با فرض دستکاری بااهمیت در سود، ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم بر بروز گزارشگری مالی متقلبانانه تأثیر مثبت و معنادار دارد، ایده‌آل‌گرایی تأثیر معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانانه ندارد و تأثیر نسبی‌گرایی بر تمایل به گزارشگری مالی متقلبانانه، معکوس و معنادار است. با فرض دستکاری کم‌اهمیت در سود نیز نتایج مشابه به دست آمد با این تفاوت که ویژگی اخلاقی نسبی‌گرایی بر گزارشگری مالی متقلبانانه، تأثیر معناداری نداشت. همچنین بر مبنای یافته‌های پژوهش، ویژگی اخلاقی ماکیاولیسم بر هر دو ویژگی اخلاقی ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی تأثیر مستقیم و معنادار می‌گذارد. شواهد این پژوهش تأیید می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، از عوامل رفتاری تشدیدکننده گزارشگری مالی متقلبانانه است. از این رو، حسابداران و حسابرسان برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی، باید ارزش‌های اخلاقی را در ضمیر خود ارتقا دهند. نیک بخت و خان بیگی (۱۳۹۷)، به بررسی ساختار حاکمیت شرکت و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی در محیط بازار سرمایه ایران پرداختند. نتیجه‌ای که از بررسی خود گرفتند این بود که حاکمیت شرکتی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری داشته و می‌تواند تغییرات به وجود آمده در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را پیش‌بینی کند. این نتایج با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در بازارهای نوظهور، سازگار است. هم‌چنین از بین ابعاد بررسی شده حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی، دو بعد حسابرسی و ساختار مالکیت، بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری داشته‌اند.

گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی اثر عواملی همچون کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بر شهرت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۹ پرداختند. نتایج پژوهش‌های آنها نشان داد که عامل کیفیت گزارشگری و مسئولیت اجتماعی دارای ارتباط مستقیم با شهرت اجتماعی شرکت می‌باشد، و از میان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی عامل دوگانگی پست مدیر عامل دارای رابطه‌ی معکوس، میزان مالکیت هیئت مدیره و عضویت صنعتی دارای رابطه مستقیم و سه عامل اندازه هیئت مدیره، اندازه شرکت، نسبت اعضای موظف هیئت مدیره دارای رابطه معناداری با شهرت اجتماعی نیستند و در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که بین عملکرد مالی و شهرت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد.

حیدرپور و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به دو بخش اصلی پرداخته اند، در بخش اولیه به بررسی تاثیر پیچیدگی حسابداری شرکت ها از نظر تهیه صورت های مالی تلفیقی بر میزان تاخیر در ارائه گزارش حسابرس پرداخته اند و در بخش دوم نیز تاثیر شفافیت پایین گزارشگری مالی از نظر کیفیت ارقام تعهدی شرکت ها بر میزان تاخیر در ارائه گزارش حسابرس مورد ارزیابی قرار داده اند. برای این منظور پس از غربالگری انجام شده تعداد ۳۸۵ سال- شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ انتخاب و با استفاده از مدل های رگرسیونی برای تجزیه و تحلیل، ارتباط بین پیچیدگی حسابداری و شفافیت گزارشگری مالی شرکت ها بر میزان تاخیر در ارائه گزارش حسابرس مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که بین تهیه صورت های مالی تلفیقی توسط شرکت مادر و پایین بودن شفافیت گزارشگری مالی با تاخیر در گزارش حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، نتایج نشان داد که تهیه صورت های مالی تلفیقی توسط شرکت مادر و پایین بودن شفافیت گزارشگری مالی شرکت ها موجب افزایش تاخیر در ارائه گزارش حسابرس خواهد شد.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش حاضر شامل یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی است و به شرح زیر می باشند:

۱-۳- با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

۱-۳-۱- با افزایش تمرکز مالکان در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

۱-۳-۲- با افزایش نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

۱-۳-۳- با افزایش دوگانگی مسئولیت مدیرعامل در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

۱-۳-۴- با افزایش اندازه شرکت در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

۴- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی یک پژوهش از نوع همبستگی می باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس رویدادی عمل خواهد شد. همچنین از نظر هدف یک تحقیق کاربردی است که از اطلاعات واقعی و روش های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه ها استفاده می گردد و در حوزه تئوری اثباتی قرار می گیرد. این پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی- استقرائی می باشد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه ای، مقالات و سایت ها در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه ها در قالب استقرائی بررسی شده اند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران می باشد که به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده اند. بدین منظور اطلاعات مربوط به قلمرو ۱۰

ساله، طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ در بخش های مربوطه انتخاب و به عنوان حجم نمونه مورد بررسی و آزمون قرار خواهد گرفت.

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

مدل ها و متغیرهای پژوهش به شرح زیر می باشد:

۵-۱- مدل اصلی پژوهش

$$\text{Complexity}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CorpGov}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} \\ + \beta_6 \text{Accruals}_{i,t} + \beta_7 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_8 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} \\ + \beta_{10} \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{11} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{12} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$\text{CorpGov}_{i,t}$ = حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی از طریق چهار عامل تمرکز بین مالکان، نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و اندازه شرکت بررسی و اندازه گیری می شود.

$\text{Complexity}_{i,t}$ = پیچیدگی گزارشگری مالی می باشد که از طریق سه فاکتور صورت های مالی تلفیقی، وجود بیش از یک نوع محصول و وجود اقلام تعهدی بیش از سطح میانگین را شامل می شود. در صورتی که شرکت ها هر سه فاکتور فوق را همزمان دارا باشند به عنوان شرکت های دارای پیچیدگی بیشتر شناسایی و در آن صورت مقدار متغیر پیچیدگی برابر ۱ می باشد و در غیر اینصورت متغیر تحقیق برابر با صفر است.

$\text{Size}_{i,t}$ = اندازه شرکت که به وسیله لگاریتم طبیعی دارایی کل به دست می آید

$\text{leverage}_{i,t}$ = اهرم مالی

$$\text{leverage} = \frac{\text{Debt}}{\text{Equity}}$$

$\text{ROA}_{i,t}$ = بازده دارایی

$$\text{ROA} = \frac{\text{Net Profit}}{\text{Total Asset}}$$

$\text{MTB}_{i,t}$ = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

$$\text{MTB} = \frac{\text{Book Value}}{\text{Market Value}}$$

$\text{Accruals}_{i,t}$ = کیفیت اقلام تعهدی

کیفیت اقلام تعهدی:

در این پژوهش برای اندازه گیری کیفیت اقلام تعهدی از رابطه ی کازنیک (۱۹۹۹)، به صورت زیر استفاده می کنیم:

$$\text{ACCR}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 [\Delta \text{REV}_{i,t} - \Delta \text{REC}_{i,t}] + \alpha_2 \text{PPE}_{i,t} + \Delta \text{CFO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رگرسیون:

$ACCR_{i,t}$ ، معادل کل اقلام تعهدی

$\Delta REV_{i,t}$ معادل تغییر درآمد فروش سال t نسبت به سال قبل

$\Delta REC_{i,t}$ معادل تغییر در خالص حساب های دریافتنی سال t نسبت به سال قبل

$PPE_{i,t}$ معادل بهای تمام شده اموال، ماشین آلات و تجهیزات

$\Delta CFO_{i,t}$ معادل تغییر در جریان های نقدی حاصل سال t نسبت به سال قبل

$Earn Vol_{i,t}$ = نوسانات بازدهی

نوسانات بازدهی طبق رابطه ی زیر محاسبه می شود:

جهت بررسی این متغیر از مدل GARCH استفاده می شود. علت استفاده از این روش، این است که تغییر نوسانات در بازارهای مالی به نوعی نشان دهنده ی ناهمسانی واریانس در یک دوره ی زمانی است. اگر داده های بازده یک شرکت در دسترس باشد، در آن صورت انحراف معیار این بازده نشان دهنده ی سطح ریسک سهام خواهد بود. طبیعی است که ریسک سهام در طول زمان تغییر خواهد کرد. این مدل که تعمیم مدل ARCH است، توسط بولرسلو در سال ۱۹۸۶ معرفی شد (گجراتی، ۱۳۷۸).

$$h_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^q [\alpha_i \varepsilon_{t-i}^2 + B_1 Growth_{i,t} + (r_i - r_f)] + \sum_{i=1}^p \beta_i h_{t-i}$$

h_t = واریانس شرطی همبسته

$B_1 Growth_{i,t}$ = نرخ رشد سبب سهام

$(r_i - r_f)$ = بازدهی مازاد سبب سهام

h_{t-i} = جزء پیش بینی واریانس تأخیری

ε_{t-i}^2 = اخبار راجع به نوسان پذیری در دوره گذشته که توسط متغیر تأخیری مربع که می توان با محاسبه $(r_{t-i} - \mu)^2$ آن را محاسبه کرد.

$Foreign_{i,t}$ = شاخص صادرات

شاخص بهای کالاهای صادراتی در ایران یکی از انواع شاخص های قیمت است که تغییرات سطح عمومی قیمت کالاهای غیرنفتی صادراتی را نشان می دهد. از سال ۱۳۷۶ تاکنون بانک مرکزی شروع به محاسبه این شاخص کرده است. نحوه تعیین این شاخص هم به این صورت است که «قیمت ارزی کالاهای صادر شده» را به «قیمت ریالی» تبدیل می کنند و تغییرات این شاخص، نمایانگر تغییرات قیمت کالاهای صادر شده در بازارهای جهانی و نوسانات نرخ ارز است. افزایش شاخص کالاهای صادراتی به این معناست که «قیمت تمام شده کالای صادراتی» افزایش یافته است و این موضوع در نهایت منجر به کاهش قدرت رقابت پذیری کالاهای صادراتی در بازار داخل و

کاهش میزان سودآوری صادرات است. به گفته کارشناسان، نوسانات نرخ ارز و تورم در تعیین شاخص بهای کالاهای صادراتی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. چون هر چه نرخ تورم افزایش می‌یابد هزینه‌های تولید یک محصول هم افزایش می‌یابد و این افزایش هزینه‌های تولید در نهایت منجر به بالا رفتن قیمت تمام‌شده کالا می‌شود. با افزایش قیمت تمام‌شده کالا، حاشیه سود تولیدکنندگان و صادرکنندگان کاهش می‌یابد.

$$\text{Loss}_{i,t} = \text{زیان شرکت}$$

در صورتی که درآمد شرکتی در دو یا چند سال منفی باشد برابر با ۱ و در غیر اینصورت ۰ است

$\text{Big auditor}_{i,t}$ = حسابرسان بزرگ شرکت که اگر حسابرسی شرکت به وسیله شرکت‌های بزرگ صورت گرفته باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود.

$$\text{Industry}_{i,t} = \text{شاخص صنعت}$$

در خصوص شاخص صنعت لازم است به این نکته اشاره کنیم که شرکت‌ها را بر اساس ماهیت فعالیتشان می‌توان تقسیم‌بندی کرد. شرکت‌های تولیدی و خدماتی دو دسته اصلی شرکت‌های بورسی را شامل می‌شوند. بیش از ۶۰ درصد شرکت‌های فعال در بورس را شرکت‌های تولیدی تشکیل می‌دهند. هم‌چنین مشاوره مالی و شرکت‌های تأمین سرمایه جزو خدمات مالی محسوب می‌شوند. شرکت‌های حاضر در دسته اول را در زمره شاخص صنعت و شرکت‌های حاضر در حوزه دوم را در شاخص مالی تقسیم‌بندی می‌کنند. برای مثال شرکت پتروشیمی زاگرس و پتروشیمی فن‌آوران که به تولید متانول اشتغال دارند در شاخص صنعت و شرکت تأمین سرمایه نوین و تأمین سرمایه لوتوس پارس‌یان در شاخص مالی تقسیم‌بندی می‌گردند. لازم به ذکر است که شیوه محاسبه هر دو شاخص بر اساس میانگین موزون شرکت‌های فعال در آن شاخص هستند، در واقع مشابه شاخص کل قیمت محاسبه می‌گردند و تفاوت آن‌ها با شاخص مزبور در تعداد شرکت‌های حاضر در آن صنعت است.

۵-۲-۲- مدل‌های فرعی پژوهش

۵-۲-۱- مدل فرعی

$$\begin{aligned} \text{Complexity}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{FBO}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{Accurals}_{i,t} + \beta_7 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_8 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{11} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{12} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

۵-۲-۲- مدل فرعی

$$\begin{aligned} \text{Complexity}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{NonBound}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{Accurals}_{i,t} + \beta_7 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_8 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{11} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{12} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

۵-۲-۳- مدل فرعی

$$\text{Complexity}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{DUALITY}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} \\ + \beta_6 \text{Accruals}_{i,t} + \beta_7 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_8 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} \\ + \beta_{10} \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{11} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{12} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۵-۲-۴- مدل فرعی

$$\text{Complexity}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{BOARD SIZE}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} \\ + \beta_6 \text{Accruals}_{i,t} + \beta_7 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_8 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_9 \text{Loss}_{i,t} \\ + \beta_{10} \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{11} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{12} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل های بالا:

FBO = تمرکز مالکان یا تمرکز مالکیت است در صورتی که مالکیت سهامداران بیش از ۵ درصد باشد برابر ۱ در

غیر این صورت صفر است

DUALITY = دوگانگی مسئولیت مدیرعامل می باشد و در صورتی که مالک مدیر هم باشد ۱ در غیر این صورت

صفر است

NonBoard = نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره است

Board size = اندازه شرکت می باشد که از لگاریتم طبیعی دارایی حاصل می شود

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

در آمار توصیفی به وضعیت داده ها با شاخص های مرکزی پرداخته می شود. نگاره شماره یک وضعیت داده ها را

به شرح زیر نشان می دهد که شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار، چولگی، آماره جارک برا و

احتمال آن می باشد.

جدول شماره (۱) آماره های توصیفی تحقیق

احتمال جارک برا	آماره جارک برا	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	متغیرهای پژوهش
0.00	3308.54	8.92	-2.81	0.29	0.00	1.00	1.00	0.91	پیچیدگی
0.00	462.21	4.50	-1.33	1.05	0.00	4.43	2.84	2.71	حاکمیت شرکتی
0.00	341.78	2.70	-1.30	0.42	0.00	1.00	1.00	0.77	تمرکز مالکان
0.00	128.66	1.43	0.19	1.57	0.00	5.00	1.50	2.13	نسبت مدیران غیر موظف
0.00	14.93	3.20	0.26	0.85	3.54	8.36	5.65	5.72	اندازه شرکت
0.00	542.84	3.64	-1.62	0.39	0.00	1.00	1.00	0.82	دوگانگی مسئولیت مدیر
0.00	1125206	151.72	12.01	4.56	0.01	58.99	0.68	1.25	اهرم مالی

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آماره جارك برا	احتمال جارك برا
بازده دارایی	912696.10	0.00	50961796	-23333613	4410094	7.28	71.23	241316.50	0.00
ارزش بازاری به ارزش دفتری	14.68	3.33	1489.07	0.00	93.47	12.25	165.71	744592.50	0.00
کیفیت اقلام تعهدی	1556889	205678.00	24700000	-10700000	11469069	9.49	204.52	2031517	0.00
نوسانات بازدهی	51.67	22.50	859.50	-64.49	95.59	2.61	13.88	7218.69	0.00
شاخص صادرات	31921.78	34122.55	40201.86	18886.30	6726.57	-0.72	2.31	127.16	0.00
زبان شرکت	663268.60	30308.00	38335903	-4903144	2873422	7.57	72.05	247785.40	0.00
تخصص حسابداری در صنعت	0.60	1.00	1.00	0.00	0.49	-0.41	1.17	199.71	0.00
شاخص صنعت	23426.07	19469.40	75181.90	6157	16724.58	1.50	4.47	555.28	0.00
فرصت های رشد	50.70	21.54	858.50	-65.49	95.62	2.60	13.87	7198.46	0.00

با دقت در نتایج جدول شماره یک با توجه به اینکه مقدار چولگی و کشیدگی متغیرها باید بین $3+$ و $3-$ باشد لذا متغیرهای مدیریت سود، اهرم مالی، بازده دارایی، ارزش بازاری به ارزش دفتری، کیفیت اقلام تعهدی و زبان شرکت دارای چولگی و کشیدگی به صورت همزمان می باشند و متغیرهای پیچیدگی، حاکمیت شرکتی، اندازه شرکت، دوگانگی مسئولیت مدیر، نوسانات بازدهی شاخص صنعت و فرصت های رشد فقط دارای کشیدگی می باشند. همچنین بر اساس آمار توصیفی ارائه شده در جدول شماره یک در بین متغیرهای تحقیق، متغیر کیفیت اقلام تعهدی دارای بیشترین میزان پراکندگی اطلاعات را داشته و متغیر تخصص حسابداری در صنعت کمترین میزان پراکندگی در بین متغیرها را دارد. در بین متغیرها کمترین میزان میانگین مربوط به تخصص حسابداری در صنعت و بوده و بیشترین میزان آن مربوط به کیفیت اقلام تعهدی می باشد. همچنین آماره جارك برا و میزان احتمال آن که کمتر از 0.05 می باشد، نشان دهنده ی نرمال نبودن متغیرهای پژوهش می باشد.

۱-۱-۶- آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد و این روش بر این فرض استوار است که متغیر وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال باشد، به طوری که توزیع غیر نرمال متغیر وابسته منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها شده و نتایج درستی را ارائه نمی‌دهد. از این رو در ادامه لازم است، نرمال بودن توزیع این متغیر مورد آزمون قرار گیرد. نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌هایی رگرسیونی است که نشان‌دهنده اعتبار آزمون‌های رگرسیونی است، بنابراین نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن باقیمانده‌های مدل (تفاوت مقادیر برآوردی از مقادیر واقعی) می‌انجامد. پس لازم است نرمال بودن متغیر وابسته قبل از برآورد پارامترها کنترل شود و در صورت برقرار نبودن این شرط راه‌حل مناسبی برای نرمال نمودن آن‌ها (از جمله تبدیل نمودن آن) اتخاذ نمود. در این مطالعه این موضوع از

طریق آماره کولموگروف-اسمیرنوف^۳ (K-S) مورد بررسی قرار می‌گیرد و توسط نرم افزار Spss25 مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 : Normal Distrbuton \\ H_1 : Not Normal Distribution \end{cases}$$

اگر سطح اهمیت آماره این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد (Prob>.05) فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می‌شود. در جدول شماره دو نتایج آزمون K-S برای متغیر رتبه اعتباری و همچنین نرمال بودن متغیرهای مستقل و کنترلی شرکت‌های نمونه ارائه شده است.

جدول ۲ نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نماد	متغیرهای پژوهش	Statistic	df	Sig.
COMPLEX	پیچیدگی گزارشگری مالی	.537	660	.000
CorpGov	حاکمیت شرکتی	.155	660	.000
FBO	تمرکز مالکان	.449	660	.000
NonBound	نسبت اعضای غیر موظف	.274	660	.000
DUALITY	دوگانگی مسئولیت مدیر	.479	660	.000
BOARD SIZE	اندازه شرکت	.086	660	.000
leverage	اهرم مالی شرکت	.280	660	.000
ROA	بازده دارایی‌ها صاحبان سهام	.391	660	.000
MTB	ارزش بازاری به ارزش دفتری	.439	660	.000
Accurals	کیفیت اقلام تعهدی	.382	660	.000
Earn Vol	نوسانات بازدهی شرکت	.189	660	.000
Foreign	شاخص صادرات	.277	660	.000
LOSS	زیان شرکت	.375	660	.000
Big auditor	تخصص حسابدار در صنعت	.399	660	.000
Industry	شاخص صنعت	.141	660	.000
Growth	فرصت‌های رشد	.189	660	.000

با توجه به این که برای تمامی متغیرهای تحقیق سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند و باید از آزمون ناپارامتریک برای بررسی همبستگی بین متغیرها استفاده کنیم.

۶-۱-۲- بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

در این بخش با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود و توسط نرم افزار Spss 25 مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول شماره سه ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از آماره اسپیرمن، پیچیدگی گزارشگری مالی با تمرکز مالکان و دوگانگی مسئولیت مدیرعامل همبستگی معکوس و با حاکمیت شرکتی، نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره و اندازه شرکت دارای همبستگی مستقیم دارد. همچنین حاکمیت شرکتی با نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره، دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و اندازه شرکت همبستگی مستقیم دارد. و نیز مشاهده می‌شود که نسبت اعضای غیر موظف با دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و اندازه شرکت همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد.

جدول ۳- همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای تحقیق

اندازه شرکت	دوگانگی مسئولیت مدیر	نسبت اعضای غیر موظف	تمرکز مالکان	حاکمیت شرکتی	پیچیدگی گزارشگری مالی		
پیچیدگی گزارشگری مالی	ضریب همبستگی	1					
	احتمال	.					
حاکمیت شرکتی	ضریب همبستگی	.077	1				
	احتمال	.008	.				
تمرکز مالکان	ضریب همبستگی	-.062	.055	1			
	احتمال	.032	.060	.			
نسبت اعضای غیر موظف	ضریب همبستگی	.061	.915	.030	1		
	احتمال	.036	.000	.295	.		
دوگانگی مسئولیت مدیر	ضریب همبستگی	-.077	.410	.083	.373	1	
	احتمال	.008	.000	.004	.000	.	
اندازه شرکت	ضریب همبستگی	.084	.500	.010	.173	-.003	1
	احتمال	.004	.000	.737	.000	.919	.

۶-۱-۳- آزمون پایایی

در این قسمت ابتدا به بررسی ایستایی یا پایایی متغیرهای پژوهش پرداخته شد. به منظور بررسی پایایی، از آزمون هادری استفاده شد. نتایج این آزمون در نگاره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

آزمون ریشه واحد هادری در سطح			آزمون ریشه واحد هادری با یک مرتبه تفاضل	
متغیرها	آماره t	P-value	آماره t	P-value
COMPLEX	6.5753۸	.0000۰	*	*
CorpGov	4.3134۱	.0000۰	*	*
FBO	3.1896۱	.0000۰	*	*
NonBound	61.2180	0.0000	*	*
DUALITY	2.0480۸	.0000۰	*	*
BOARD SIZE	4.1014۱	.0000۰	*	*
leverage	4.1252۱	.0000۰	*	*
ROA	.56709۷	.0000۰	*	*
MTB	.18768۲	.0143۰	*	*
Accurals	1.3022۱	.0000۰	*	*
Earn Vol	.27393۱	.1013۰	.56037۵	.0000۰
Foreignn	.01453۹	.0000۰	*	*
LOSS	2.3995۱	.0000۰	*	*
Big auditor	2.3803۱	.0000۰	*	*
Industry	4.8837۱	.0000۰	*	*
Growth	.31245۱	.0947۰	.55668۵	.0000۰

با توجه به نتایج جدول (۵) این آزمون، به جز متغیرهای نوسانات بازدهیو فرصت های رشد که در سطح مانا نیستند و با یک مرتبه تفاضل به مانایی می رسند، سایر متغیرها به دلیل اینکه میزان P آنها کمتر از ۰/۰۵ است، در سطح پایا می باشند. و این موضوع به این معنا است که، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال ها مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی شود.

۶-۱-۴-آزمون چاو

برای تشخیص مناسب تخمین مدل رگرسیون، ابتدا باید بررسی شود که آیا ناهمگنی یا تفاوت های فردی وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود ناهمگنی از روش داده های تابلویی^۴ و در غیر این صورت از روش تلفیقی^۵ استفاده می شود. به همین جهت از آزمون چاو^۶ برای تعیین به کارگیری مدل اثرات ثابت در مقابل تلفیق کل داده ها (یکپارچه شده) انجام می شود. فرضیات این آزمون به صورت زیر می باش:

H_0 : Pooled Model

H_1 : panel Model

جدول ۵ آزمون چاو

نتیجه آزمون	فرضیه	Prob.	D.F.	مقدار آماره	آزمون اثرات
مدل داده های تابلویی	اول	۰,۰۰۳۱	(۹),1167	657540.2	F دوره
		۰,۰۱۳۳	9	2.292471	کای- دو دوره
مدل داده های تابلویی	اول فرعی	0.0000	(۹),1167	0.004816	F دوره
		0.0000	9	0.044156	کای- دو دوره
مدل داده های تابلویی	دوم فرعی	70۰0.0	(۹),638	0.248488	F دوره
		56۰۳0.	9	2.309465	کای- دو دوره
مدل داده های تابلویی	سوم فرعی	56۰۴0.	(۹),638	0.246657	F دوره
		۰۳۷۸0.	9	2.292471	کای- دو دوره
مدل داده های تابلویی	چهارم فرعی	0.0000	(۶),5,583	0.246657	F دوره
		0.0000	65	2.292471	کای- دو دوره

نتایج آزمون چاو نشان می‌دهد، مقدار p در مدل کمتر از 0.05 است در نتیجه فرض H_0 رد شده و فرضیه H_1 تأیید می‌گردد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که ناهمگنی فردی (اثرات فردی غیر قابل مشاهده) وجود دارد و باید از روش داده‌های تابلویی γ برای برآورد مدل استفاده کرد. در نتیجه برای تعیین استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل مدل اثر تصادفی در مرحله بعد آزمون هاسمن ۸ انجام می‌شود.

۵-۱-۶- آزمون هاسمن

آزمون هاسمن بر پایه‌ی وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. فرضیات این آزمون عبارتند از:

H_0 : Random Effect

H_1 : Fixed Effect

جدول ۶- نتیجه آزمون هاسمن

فرضیه	نتیجه آزمون	P-value	درجه آزادی	آماره کای- دو
اول	مدل اثرات تصادفی	۰,۹۸۷	۱۲	0.000000
اول فرعی	مدل اثرات ثابت	0.0017	12	31.466698
دوم فرعی	مدل اثرات تصادفی	1.0000	11	0.000000
سوم فرعی	مدل اثرات تصادفی	1.0000	12	0.000000
چهارم فرعی	مدل اثرات ثابت	0.0000	11	192.607104

همانطور که جدول ۶ نشان می‌دهد، در مدل هاسمن مربوط به فرضیات دوم، دوم فرعی سوم فرعی مقدار P بیشتر از ۰/۰۵ است که این به معنی عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل است، بنابراین فرضیه H_0 پذیرفته و فرضیه H_1 رد می‌شود. با توجه به نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن مناسب‌ترین روش برای برآورد آزمون فرضیه‌ها، مدل اثرات تصادفی است. و برای سایر مدل‌ها به دلیل اینکه مقدار p-value کمتر از ۰,۰۵ است، روش مناسب برای برآورد آزمون این فرضیه‌ها، مدل اثرات ثابت می‌باشد.

۶-۲- نتایج حاصل از برازش مدل‌های رگرسیونی تحقیق

در این بخش، برای هر یک از فرضیه‌های تحقیق ابتدا الگوی لازم برای تخمین مدل تعیین گردیده و سپس مدل تحقیق برآورد و نتایج حاصل از آن تفسیر می‌شود. هم‌چنین برای هر فرضیه آزمون مفروضات آماری مربوط به آن شامل بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسان بودن واریانس باقیمانده‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و خطی بودن مدل همراه با توضیحات و نتایج حاصل از آن ارائه می‌گردد و کلیه آزمون‌های فوق توسط نرم افزار 9 Eviews مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. و در نهایت فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده‌اند:

- (۱) با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.
- (۱-۱) با افزایش تمرکز مالکان در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.
- (۲-۱) با افزایش نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.
- (۳-۱) با افزایش دوگانگی مسئولیت مدیرعامل در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.
- (۴-۱) با افزایش اندازه شرکت در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه اصلی تحقیق

هدف از آزمون فرضیه اصلی تحقیق تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها و پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H_0 : با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش نمی‌یابد.

H_1 : با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می‌یابد.

این فرضیه با استفاده از مدل اصلی تحقیق به صورت داده‌های پانل برآورد می‌شود و در صورتی که ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases}$$

در این پژوهش برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل فرضیه اصلی

$$\text{Complexity}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CorpGov}_{it} + \beta_2 \text{leverage}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{MTB}_{it} + \beta_5 \text{Accruals}_{it} \\ + \beta_6 \text{Earn Vol}_{it} + \beta_7 \text{Foreign}_{it} + \beta_8 \text{Loss}_{it} + \beta_9 \text{Big auditor}_{it} \\ + \beta_{10} \text{Industry}_{it} + \beta_{11} \text{Growth}_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۷ نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتایج فرضیه
عرض از مبدأ	C	0.003	0.003	1.042	0.298	
حاکمیت شرکتی	CorpGov	۵۷۰.۰-	۱۰۰.۰	-۶۰۲.۲۱	۰۳۰.۰	تأیید
اهرم مالی شرکت	leverage	0.041	0.016	2.615	0.009	تأیید
بازده دارایی‌ها	ROA	0.013	0.023	0.579	0.562	رد
ارزش بازاری به ارزش دفتری	MTB	0.010	0.016	0.633	0.527	رد
کیفیت اقلام تعهدی	Accruals	0.032	0.009	3.623	0.000	تأیید
نوسانات بازدهی شرکت	Earn Vol	2.183۱-	9.445	۰.۲۹۱-	0.197	رد
شاخص صادرات	Foreign	.007۰-	0.045	.148۰-	0.882	رد
زیان شرکت	LOSS	.003۰-	0.027	.122۰-	0.903	رد
تخصص حسابدار در صنعت	Big auditor	.013۰-	0.004	.582۳-	0.000	تأیید
شاخص صنعت	Industry	.256۰-	0.011	2.714۲-	0.000	تأیید
فرصت‌های رشد	Growth	12.228	9.450	1.294	0.196	رد
ضریب تعیین	2%۷		آماره F		7.631	
ضریب تعیین تعدیل شده	2%۶		معنی داری (P-Value)		0.000	
			آماره دوربین واتسون		1.323	

بر اساس جدول فوق میزان آماره F و سطح معنی داری آن که کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و بر اساس داده‌های موجود به خوبی قادر به بیان متغیر وابسته می باشد. همچنین با توجه به میزان ضریب تعیین حدود ۷۲٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می شود. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱,۳۲۳ نشان می دهد که باقی مانده‌ها در رگرسیون دارای خودهمبستگی نمی باشند. با توجه به آماره t متغیر اندازه حاکمیت شرکتی که برابر با ۱۲,۶۰۲- بوده و میزان احتمال آن که برابر با ۰,۰۳۰ بوده و کمتر از ۵ درصد است بنابراین حاکمیت شرکتی با پیچیدگی گزارشگری مالی ارتباط معکوس و معنی داری دارد. به عبارت دیگر با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها پیچیدگی

گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد. بنابراین فرضیه اول پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ تایید می شود. در این مدل در بین متغیرهای کنترلی به ترتیب اهرم مالی شرکت و کیفیت ارقام تعهدی با مقدار آماره مثبت و P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه مستقیم و معنا دار دارند. همچنین تخصص حسابدار در صنعت و شاخص صنعت به ترتیب با میزان آماره ۳,۵۸۲- و ۲۲,۷۱۴- و مقدار P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه ی معکوس و معنی دار دارد. اما سایر متغیرهای پژوهش با پیچیدگی گزارشگری مالی دارای رابطه ی معنی دار نمی باشند. لذا با توجه به نتایج حاصل از آزمون این فرضیه می توان انتظار داشت که اعمال مکانیزم های حاکمیت شرکتی منجر به ابهام زدایی از گزارشات مالی و تهیه اطلاعات مالی مفید قابل فهم و موثر بر تصمیمات سرمایه گذاران گردد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که حاکمیت شرکتی عاملی است که میتواند باعث شود عملکرد شرکت و به ویژه کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیریت آن از کیفیت بالاتری برخوردار باشد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی ۱-۱- تحقیق

هدف از آزمون فرضیه فرعی اول تحقیق تبیین ارتباط بین تمرکز مالکان در شرکت ها و کاهش پیچیدگی گزارشگری مالی آنها می باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می شود:

H_0 : با افزایش تمرکز مالکان در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش نمی یابد.

H_1 : با افزایش تمرکز مالکان در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

این فرضیه با استفاده از مدل (۱-۲-۵) به صورت داده های پانل برآورد می شود و در صورتی که ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases}$$

در این پژوهش برای آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل فرضیه فرعی اول

$$\begin{aligned} \text{Complexity}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{FBO}_{i,t} + \beta_2 \text{leverage}_{i,t} + \beta_3 \text{ROA}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \beta_5 \text{Accruals}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_7 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_8 \text{Loss}_{i,t} + \beta_9 \text{Big auditor}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{11} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جدول ۸ نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتایج فرضیه
عرض از مبدأ	C	0.924	0.000	236000000.000	0.000	
تمرکز مالکان	FBO	-۳۰.۰۰	۳.۰۰۱	-۰.۸۳۰	۰.۴۰۷	رد
اهرم مالی شرکت	leverage	-۶۰.۰۰	۰.۰۰۰	-۲.۳۱۰	۰.۰۲۱	تأیید
بازده دارایی‌ها	ROA	۰.۰۰۰	۷۸۰.۰	۱.۳۸۲	۰.۱۶۸	رد
ارزش بازاری به ارزش دفتری	MTB	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۳۶۴	۰.۷۱۶	رد
کیفیت اقلام تعهدی	Accurals	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۲۷۲	۰.۷۸۶	رد
نوسانات بازدهی شرکت	Earn Vol	۵۰.۰۰	۲۱۰.۰	-۰.۹۶۴	۰.۳۳۵	رد
شاخص صادرات	Foreign	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۴.۹۱۵	۰.۰۰۰	تأیید
زیان شرکت	LOSS	۳۱۰.۰	۰.۰۰۰	۲.۰۸۸	۰.۰۳۷	تأیید
تخصص حسابدار در صنعت	Big auditor	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱.۲۲۱	۰.۲۲۳	رد
شاخص صنعت	Industry	-۳۴۰.۰	۵۴.۰۲	-۲.۳۴۲	۰.۰۲۰	تأیید
فرصت‌های رشد	Growth	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۹۶۴	۰.۳۳۵	رد
ضریب تعیین		۷۵٪		آماره F	۱۷.۶۳	
ضریب تعیین تعدیل شده		۶۶٪		معنی داری (P-Value)	۰.۰۰۰	
				آماره دوربین واتسون	۱.۳۲۳	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول فوق مشاهده می‌شود که میزان آماره F و سطح معنی داری آن کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و بر اساس داده‌های موجود به خوبی قادر به بیان متغیر وابسته می‌باشد. همچنین با توجه به میزان ضریب تعیین حدود ۷۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می‌شود. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱,۳۲۳ نشان می‌دهد که باقی مانده‌ها در رگرسیون دارای خود همبستگی نمی‌باشند. با توجه به آماره t متغیر اندازه تمرکز مالکان که برابر با -۰.۸۳۰ بوده و میزان احتمال آن که برابر با ۰,۴۰۷ بوده و بیشتر از ۵ درصد است بنابراین فرض وجود رابطه معنی دار بین تمرکز مالکان با پیچیدگی گزارشگری مالی رد می‌شود. بنابراین فرضیه ۱-۱ پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ رد می‌شود. در این مدل در بین متغیرهای کنترلی به ترتیب اهرم مالی شرکت و شاخص صادرات با مقدار آماره منفی و P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه معکوس و معنا دار دارند. همچنین زیان شرکت و شاخص صادرات به ترتیب

با مقدار آماره مثبت و مقدار P-Value کمتر از ۰,۰۵، با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه ی مستقیم و معنی دار دارد. اما سایر متغیرهای پژوهش با پیچیدگی گزارشگری مالی دارای رابطه ی معنی دار نمی باشند. شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم افزار 9 Eviews به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Complexity}_{i,t} = 0.924 - 0.006\text{leverage}_{i,t} + 0.000\text{Foreign}_{i,t} + 0.031\text{Loss}_{i,t} - 0.034\text{Industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

با توجه به نتایج حاصل شده و عدم تایید فرضیه H₁ میتوان افزود که با افزایش تمرکز مالکان و کنترل امور شرکت توسط سهامداران عمده نه تنها تغییری در کاهش پیچیدگی گزارشگری مالی ایجاد نمی شود بلکه وجود تضاد منافع میان سهامداران اکثریت و اقلیت و اعمال کنترل سهامداران عمده در جهت کسب منافع شخصی میتواند منجر به اخذ تصمیماتی شود که بر پیچیده نمودن گزارشات مالی تاثیر مستقیم داشته باشد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی ۲-۱ تحقیق

هدف از آزمون فرضیه دوم فرعی تحقیق تبیین ارتباط بین نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره در شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می شود:

H₀: با افزایش نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش نمی یابد.

H₁: با افزایش نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

این فرضیه با استفاده از مدل (۲-۲-۵) به صورت داده های پانل برآورد می شود و در صورتی که ضریب β₁ در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases}$$

در این پژوهش برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل فرضیه فرعی دوم

$$\text{Complexity}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1\text{NonBound}_{i,t} + \beta_2\text{leverage}_{i,t} + \beta_3\text{ROA}_{i,t} + \beta_4\text{MTB}_{i,t} + \beta_5\text{Accruals}_{i,t} + \beta_6\text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_7\text{Foreign}_{i,t} + \beta_8\text{Loss}_{i,t} + \beta_9\text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{10}\text{Industry}_{i,t} + \beta_{11}\text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۹: نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نتایج فرضیه	سطح معنی داری	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد	متغیر
	0.000	24.514	0.046	1.131	C	عرض از مبدأ
رد	0.715	0.366	0.006	0.002	NonBound	مدیران غیر موظف در هیئت مدیره
تأیید	0.000	-9.633	0.009	-0.086	leverage	اهرم مالی شرکت
رد	0.615	0.503	0.000	0.000	ROA	بازده دارایی‌ها
رد	0.544	0.607	0.000	0.000	MTB	ارزش بازاری به ارزش دفتری
رد	0.159	1.410	0.000	0.000	Accurals	کیفیت اقلام تعهدی
تأیید	0.000	-7.627	0.033	-0.250	Earn Vol	نوسانات بازدهی شرکت
رد	0.561	0.581	0.000	0.000	Foreignn	شاخص صادرات
رد	0.518	0.647	0.000	0.000	LOSS	زیان شرکت
تأیید	0.000	3.554	0.020	0.073	Big auditor	تخصص حسابدار در صنعت
تأیید	0.000	7.486	0.000	0.000	Industry	شاخص صنعت
تأیید	0.000	7.629	0.033	0.250	Growth	فرصت‌های رشد
18.858	آماره F		%۷۶			ضریب تعیین
0.000	معنی داری (P-Value)		%۷۵			ضریب تعیین تعدیل شده
۱,۷۲۶	آماره دوربین واتسون					

میزان آماره F و سطح معنی داری آن که کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و بر اساس داده های موجود به خوبی قادر به بیان متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می شود. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱,۷۲۶ نشان می دهد که باقی مانده ها در رگرسیون دارای خودهمبستگی نمی باشند. با توجه به آماره t متغیر اندازه مدیران غیر موظف در هیئت مدیره که برابر با 0.366 بوده و میزان احتمال آن که برابر با ۰,۷۱۵ بوده و بیشتر از ۵ درصد است بنابراین فرض وجود رابطه معنی دار بین مدیران غیر موظف در هیئت مدیره با پیچیدگی گزارشگری مالی رد می شود. بنابراین فرضیه ۱-۲ پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ رد می شود. در مدل ۲-۲-۵ در بین متغیرهای کنترلی به ترتیب اهرم مالی شرکت و نوسانات بازدهی با مقدار آماره منفی و P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه معکوس و معنا دار داشته و همچنین تخصص حسابرس در صنعت، شاخص صنعت و فرصت های رشد میزان آماره مثبت و مقدار P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه ی

مستقیم و معنی دار دارند. اما سایر متغیرهای پژوهش با پیچیدگی گزارشگری مالی دارای رابطه ی معنی دار نمی باشند. شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم افزار 9 Eviews به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Complexity}_{i,t} = 1.131 + \beta_1 \text{NonBound}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} - 0.086 \text{leverage}_{i,t} - 0.250 \text{Earn Vol}_{i,t} + 0.073 \text{Big auditor}_{i,t} + 0.000 \text{Industry}_{i,t} + 0.250 \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

همانطور که در نتایج جدول فوق مشاهده می شود فرضیه فرعی دوم پژوهش در خصوص ارتباط معکوس مدیران غیر موظف در هیئت مدیره شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی رد می شود. بنابراین افزایش مدیران غیر موظف در هیئت مدیره شرکت ها گاهی ممکن است منجر به ایجاد ناهماهنگی و اختلاف نظر شود و هیچ تغییری کاهش پیچیدگی گزارشگری مالی ایجاد نمی شود. خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که افزایش اندازه هیات مدیره تاخیر گزارشات مالی را نیز افزایش میدهد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی ۳-۱ تحقیق

هدف از آزمون فرضیه سوم فرعی تحقیق تبیین ارتباط بین دوگانگی مسئولیت مدیرعامل در شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می شود:

H_0 : با افزایش دوگانگی مسئولیت مدیرعامل در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش نمی یابد.

H_1 : با افزایش دوگانگی مسئولیت مدیرعامل در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

این فرضیه با استفاده از مدل زیر به صورت داده های پانل برآورد می شود و در صورتی که ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases}$$

در این پژوهش برای آزمون فرضیه سوم فرعی پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل فرضیه فرعی سوم

$$\text{Complexity}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{DUALITY}_{i,t} + \beta_2 \text{leverage}_{i,t} + \beta_3 \text{ROA}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \beta_5 \text{Accruals}_{i,t} + \beta_6 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_7 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_8 \text{Loss}_{i,t} + \beta_9 \text{Big auditor}_{i,t} + \beta_{10} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{11} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۱۰: نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتایج فرضیه
عرض از مبدأ	C	0.888	0.011	77.824	0.000	
دوگانگی مسئولیت مدیر	DUALITY	-0.017	0.003	-4.837	0.000	تأیید
اهرم مالی شرکت	leverage	-.002	0.003	-.510	0.610	رد
بازده دارایی‌ها	ROA	0.000	0.000	0.056	0.955	رد
ارزش بازاری به ارزش دفتری	MTB	0.000	0.000	-.018	0.986	رد
کیفیت اقلام تعهدی	Accruals	0.000	0.000	0.104	0.918	رد
نوسانات بازدهی شرکت	Earn Vol	-.002	0.011	-.174	0.862	رد
شاخص صادرات	Foreignn	0.000	0.000	-.036	0.971	رد
زیان شرکت	LOSS	0.000	0.000	0.110	0.912	رد
تخصیص حسابدار در صنعت	Big auditor	0.004	0.003	1.458	0.145	رد
شاخص صنعت	Industry	0.002	0.000	5.049	0.000	تأیید
فرصت‌های رشد	Growth	0.002	0.011	0.175	0.862	رد
ضریب تعیین		86%		آماره F	18.846	
ضریب تعیین تعدیل شده		80%		معنی داری (P-Value)	0.000	
				آماره دوربین واتسون	۱,۷۲۴	

میزان آماره F و سطح معنی داری آن که کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و بر اساس داده های موجود به خوبی قادر به بیان متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می شود. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱,۷۲۴ نشان می دهد که باقی مانده ها در رگرسیون دارای خودهمبستگی نمی باشند. با توجه به آماره t متغیر دوگانگی مسئولیت مدیر که برابر با -4.837 بوده و میزان احتمال آن که برابر با 0.000 بوده و کمتر از ۵ درصد است بنابراین فرض وجود رابطه معنی دار بین دوگانگی مسئولیت مدیر با پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می شود. بنابراین فرضیه ۳-۱ پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ پذیرفته می شود. در مدل ۳-۲-۵ در بین متغیرهای کنترلی تنها شاخص صادرات با مقدار آماره 5.049 و مقدار P-Value کمتر از ۰,۰۵ و برابر با ۰,۰۰۰ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه ی مستقیم و معنی دار دارند. اما سایر متغیرهای پژوهش با پیچیدگی گزارشگری مالی دارای رابطه ی معنی دار نمی باشند.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود با توجه به نتایج جدول فوق و نیز فرضیه فرعی ۳-۱ پژوهش در خصوص ارتباط معکوس دوگانگی مسئولیت مدیر در شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می شود. عبارتی زمانی که مدیر عامل و ریاست هیئت مدیره شخص واحدی باشد انتظار میرود با افزایش مسئولیت و وظایف مباشرت و پاسخگویی از پیچیدگی های گزارشگری مالی نیز کاسته شود. دیوانداری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود نشان دادند که بین دوگانگی نقش مدیر عامل و مسئولیت پذیری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش یانگ و ژاو (۲۰۱۴) نشان داد که دوگانگی وظایف مدیر عامل سبب بهبود عملکرد شرکتها خصوصا در بازار رقابتی میگردد. شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم افزار Eviews 9 به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Complexity}_{i,t} = 0.888 + \beta_1 \text{DUALITY}_{i,t} - 0.017 \text{Size}_{i,t} + 0.002 \text{Industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نتایج آزمون فرضیه فرعی ۴-۲ تحقیق

هدف از آزمون فرضیه چهارم فرعی تحقیق تبیین ارتباط بین اندازه شرکت در شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می باشد و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می شود:

H_0 : با افزایش اندازه شرکت در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش نمی یابد.

H_1 : با افزایش اندازه شرکت در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد.

این فرضیه با استفاده از مدل زیر به صورت داده های پانل برآورد می شود و در صورتی که ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases}$$

در این پژوهش برای آزمون فرضیه چهارم فرعی پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل فرضیه فرعی چهارم

$$\begin{aligned} \text{Complexity}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{BOARD SIZE}_{i,t} + \beta_2 \text{leverage}_{i,t} + \beta_3 \text{ROA}_{i,t} + \beta_4 \text{MTB}_{i,t} + \beta_5 \text{Accurals}_{i,t} \\ & + \beta_6 \text{Earn Vol}_{i,t} + \beta_7 \text{Foreign}_{i,t} + \beta_8 \text{Loss}_{i,t} + \beta_9 \text{Big auditor}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{Industry}_{i,t} + \beta_{11} \text{Growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جدول ۱۱ نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتایج فرضیه
عرض از مبدأ	C	0.924	0.000	236000000 00.000	0.000	
اندازه شرکت	BOARD SIZE	0.000-	0.000	-۲,۸۵۷	0.004	تأیید
اهرم مالی شرکت	leverage	0.000-	۲۱۰.0	-2.298	0.022	تأیید
بازده دارایی‌ها	ROA	0.000	0.000	1.395	0.164	رد
اهرم مالی شرکت	MTB	۳0.00	0.000	0.230	0.818	رد
کیفیت اقلام تعهدی	Accruals	۱0.00	۲۷0.0	0.264	0.792	رد
نوسانات بازدهی شرکت	Earn Vol	0.000	0.000	-0.965	0.335	رد
شاخص صادرات	Foreignn	۴0.00	0.000	5.065	0.000	تأیید
زبان شرکت	LOSS	0.000	۳۲0.0	2.083	0.038	تأیید
تخصص حسابدار در صنعت	Big auditor	0.000	0.000	1.277	0.202	رد
شاخص صنعت	Industry	0.000-	0.000	-2.467	0.014	تأیید
فرصت‌های رشد	Growth	0.000	۱۵0.0	0.965	0.335	رد
F آماره		18.023				
ضریب تعیین	%۷۵		معنی داری (P-Value)			
ضریب تعیین تعدیل شده	73%		آماره دوربین واتسون			
			1.322			

با توجه به نتایج جدول فوق میزان آماره F و سطح معنی داری آن که کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و بر اساس داده های موجود به خوبی قادر به بیان متغیر وابسته می باشد. همچنین با توجه به میزان ضریب تعیین حدود ۷۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می شود. آماره دوربین واتسون نیز با مقدار ۱,۳۲۳ نشان می دهد که باقی مانده ها در رگرسیون دارای خودهمبستگی نمی باشند. با توجه به آماره t متغیر اندازه شرکت که برابر با -2.857 بوده و میزان احتمال آن که برابر با ۰,۰۰۴ بوده و کمتر از ۵ درصد است بنابراین فرض وجود رابطه معنی دار بین اندازه شرکت با پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می شود. بنابراین فرضیه ۴-۱ پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ پذیرفته می شود. در مدل ۴-۲-۵ در بین متغیرهای کنترلی به ترتیب اهرم مالی شرکت و شاخص صنعت با مقدار آماره منفی و P-Value کمتر از ۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه معکوس و معنا دار دارند. همچنین زبان شرکت و شاخص صادرات با مقدار آماره مثبت و P-Value کمتر از

۰,۰۵ با پیچیدگی گزارشگری مالی رابطه ی مستقیم و معنی دار دارد. اما سایر متغیرهای پژوهش با پیچیدگی گزارشگری مالی دارای رابطه ی معنی دار نمی باشند. همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود با توجه به نتایج جدول فوق و نیز فرضیه فرعی ۴-۱ پژوهش در خصوص ارتباط معکوس اندازه شرکت ها و پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می شود. بنابراین با افزایش اندازه شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی کاهش می یابد. بنابراین شرکتهای بزرگ از کیفیت بالای گزارشگری برخوردار می باشند. نتایج پژوهش شیهو (۲۰۱۲) نیز نشان میدهد که اندازه شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای تولیدی نیجریه ای دارد. شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم افزار 9 Eviews به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Complexity}_{i,t} = 0.924 - 0.000\text{BOARD SIZE}_{i,t} - 0.000\text{leverage}_{i,t} + 0.004\text{Earn Vol}_{i,t} \\ + 0.004\text{Foreign}_{i,t} + 0.000\text{Loss}_{i,t} - 0.000\text{Industry}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین پیچیدگی گزارشگری مالی با حاکمیت شرکتی پرداخته شده و به طور کلی میخوایم بدانیم که وجود مکانیزم حاکمیت شرکتی چه تاثیری بر کاهش پیچیدگی و ابهامات موجود در گزارشات مالی می گذارد. این پژوهش دارای یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی می باشد. به همین منظور متغیر حاکمیت شرکتی ، همراه با چهار فرضیه فرعی شامل اندازه شرکت، دوگانگی مسئولیت مدیر، تمرکز مالکان و نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان میدهد که اماره t متغیر اندازه حاکمیت شرکتی برابر با ۱۲,۶۰۲- بوده و میزان احتمال آن برابر با ۰,۰۳۰ و کمتر از ۵ درصد است یعنی حاکمیت شرکتی با پیچیدگی گزارشگری مالی ارتباط معکوس و معنی داری دارد و با افزایش حاکمیت شرکتی در شرکت ها پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کاهش می یابد. بنابراین فرضیه اول پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است پذیرفته می شود. در نتیجه اعمال حاکمیت شرکتی موجب کاهش پیچیدگی و ابهام زدایی از گزارشات مالی میگردد، به گفته لویت (۱۹۹۸) یکی از کارکردهای مهم حاکمیت شرکتی اطمینان از فرایند گزارشگری مالی است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش های ، کردستانی و رحیمی (۱۳۹۰)، مهرانی و همکاران (۱۳۹۳)، جینگا و همکاران (۲۰۰۸) ، آل صوفی و همکاران (۲۰۱۳)، اشائر و همکاران (۲۰۱۵) ، آکجو و باباتوند (۲۰۱۷)، مشابهت دارد. از طرفی نتایج مطالعات مشابه نشان میدهد اعمال حاکمیت شرکتی خوب در افزایش قیمت سهام شرکتهای نقش دارد، نیکبخت و همکاران (۱۳۹۷) بنابراین می توان انتظار داشت که ایجاد مکانیزم های حاکمیت شرکتی بردستیابی به اهداف گزارشگری مالی جامع عمل پوشاننده و با ایفای نقش حیاتی در تهیه اطلاعات مفید و اثر گذار بر تصمیمات استفاده کنندگان ، تمایل سرمایه گذاران بر خرید سهام و اعطای تسهیلات به شرکتهای را افزایش دهد. در ادامه نتایج حاصل از آزمون فرضیه های فرعی تحقیق نشان میدهد که متغیر تمرکز مالکان برابر با ۰,۸۳۰- بوده و میزان احتمال آن برابر با ۰,۴۰۷ بوده و بیشتر از ۵ درصد می باشد، که بر این اساس فرض وجود رابطه معنی

دار بین تمرکز مالکان با پیچیدگی گزارشگری مالی رد می‌شود. به عبارت دیگر افزایش تمرکز مالکان و کنترل تمام عملیات شرکت توسط سهامداران عمده گاه‌ها منجر به اخذ تصمیماتی می‌گردد که در آن ترجیحات شخصی اعمال و منافع سهامداران خرد نادیده گرفته می‌شود در نتیجه با افزایش تمرکز مالکان و تضاد منافع میان سهامداران پیچیدگی گزارشگری مالی کاهش نیافته و فرضیه فرعی اول رد با احتمال ۹۵٪ رد شده است. نتایج این فرضیه با نتایج یافته‌های پژوهش‌های دیبیس (۲۰۰۴) همسو بوده و با نتایج پژوهش گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم نشان میدهد نسبت مدیران غیر موظف در هیئت مدیره برابر با ۰.۳۶۶ بوده و میزان احتمال آن برابر با ۰.۷۱۵ بوده و بیشتر از ۵ درصد است که فرض وجود رابطه معنی دار بین مدیران غیر موظف در هیئت مدیره با پیچیدگی گزارشگری مالی رد می‌شود به بیان دیگر افزایش اعضای هیئت مدیره غیر موظف ممکن است باعث شود افرادی بدون تخصص و تجربه استخدام و با بی‌اطلاعی از فعالیت اصلی شرکت، در اخذ تصمیمات به موقع، برگزاری جلسات منظم، برنامه ریزی و کنترل و افشا گزارشات مالی اخلال ایجاد نمایند. لذا در این خصوص لازم است به عواملی نظیر تجربه، تخصص و سطح تحصیلات اعضای هیئت مدیره توجه بیشتری شود. بنابراین فرضیه فرعی دوم پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ رد می‌شود و افزایش اعضای غیر موظف تأثیری در کاهش پیچیدگی گزارشگری ندارد. در خصوص یافته‌های این فرضیه نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶)، تنگ ولی (۲۰۱۱)، ماتوسی و چاکرون (۲۰۰۸) رابطه مستقیم دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی سوم نشان داد که دوگانگی مسئولیت مدیر برابر با -۴.۸۳۷ بوده و میزان احتمال آن برابر با ۰.۰۰۰ بوده و کمتر از ۵ درصد است که در این صورت فرض وجود رابطه معنی دار بین دوگانگی مسئولیت مدیر با پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می‌شود در نتیجه فرضیه فرعی سوم پژوهش که در خصوص معکوس بودن ارتباط بین این دو متغیر است با احتمال ۹۵٪ پذیرفته می‌شود. چانگ و سان (۲۰۰۸) معتقدند دوگانگی وظایف مدیر عامل میتواند مسئولیت مدیر عامل را در زمینه گزارشگری مالی افزایش دهد در نتیجه باتوجه به افزایش نقش پاسخگویی و مباشرت، مدیران در این جایگاه همواره در صدد کاهش هرچه بیشتر ابهامات گزارشگری مالی می‌باشند از طرفی هر چند که شرح وظایف مدیر عامل و ریاست هیات مدیر از هم تفکیک شده اما این وظایف با یکدیگر همسو می‌باشد همچنین عدم آشنایی با وظایف این سمت که حتی در برخی شرکتها ریاست هیات مدیره کلیه وظایف خود را به مدیر عامل تفویض می‌نماید و نو ظهور بودن ادبیات حاکمیت شرکتی در بورس اوراق بهادار ایران از دلایل پذیرش این فرضیه می‌باشد در خصوص یافته‌های این فرضیه نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های برگ و اسمیت (۱۹۷۸)، هم سو و با نتایج پژوهش‌های اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۸۹)، هوفانگ و ژیانکو (۲۰۰۷)، ناهمسو می‌باشد. اما نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی چهارم نشان میدهد که متغیر اندازه شرکت برابر با ۲.۸۵۷- بوده و میزان احتمال آن برابر با ۰.۰۰۴ بوده و کمتر از ۵ درصد است بنابراین فرض وجود رابطه معنی دار بین اندازه شرکت با پیچیدگی گزارشگری مالی پذیرفته می‌شود بعبارت دیگر بدلیل اینکه در شرکت‌های بزرگ فشارهای سیاسی و نهادهای نظارتی بیشتر و سیستم‌های کنترلی مستحکم تر است در نتیجه پیچیدگی گزارشگری مالی آنها کمتر است. نتایج این پژوهش با

نتایج پژوهش های اشائر و همکاران (۲۰۱۵) همسو و با نتایج پژوهش گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو می باشد. بنابراین براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیات می توان نتیجه گرفت با اعمال هرچه بیشتر مکانیزم های حاکمیت شرکتی و توجه به ویژگی هایی از جمله تخصص، تجربه و سطح تحصیلات در ساختار هیئت مدیره پیچیدگی و ابهام در گزارشات مالی مورد استفاده سرمایه گذاران کاهش می یابد و قابلیت فهم و شفافیت صورتهای مالی افزایش می یابد. در راستای پژوهشهای آتی پیشنهاد می گردد سایر عوامل اثر گذار بر کاهش ابهام و پیچیدگی در فرآیند گزارشگری مالی توجه و مورد آزمون قرار گیرد.

فهرست منابع

- * حاجیها، زهره/ شاکری، عبدالرضا (۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت. پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی شماره ۴۴ زمستان ۹۸ صص ۱۷۵ تا ۱۹۲
- * نیکبخت، محمد رضا/ احمد خان بیگی، مصطفی (۱۳۹۷)، "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۳
- * گرمسیری، صدیقه، وکیلی فرد، حمیدرضا، طالب نیا، قدرت اله. (۱۳۹۶). بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتها، ویژگیهای حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بر شهرت اجتماعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت. 10(35), 31-43.
- * برادران حسن زاده، رسول (۱۳۹۵) "تأثیر برخی ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای گزارش حسابرسان" بررسی های حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۲۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۵ تا ۱۷۲
- * ستایش، محمد حسین/ کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله دانش حسابداری، شماره ۱.
- * فروغی، داریوش/ ساکیانی، امین (۱۳۹۵)، "تأثیر توانایی مدیریتی بر کارایی سرمایه گذاری"، پژوهش حسابداری، شماره ۲، پاییز ۹۵
- * مهرانى كاوه، بيك بشرويه، سلمان/ شهیدی، زهره (۱۳۹۳)، "رابطه ساز و کارهای راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی"، پژوهش حسابداری، شماره ۱۲، بهار ۹۳
- * نمازی، محمد/ ابراهیمی، شهلا (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر کارایی فنی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله دانش حسابداری.
- * Akeju, J. B., Babatunde, A. A. (2017). Corporate Governance and Financial Reporting Quality in Nigeria. International Journal of Information Research and Review, 4(2): 3749-3753.
- * Al-Shaer, H., Salama, A., Toms, S. (2015). Audit Committees and Financial Reporting Quality: Evidence from UK environmental accounting disclosures. Journal of Applied Accounting Research, 18(1): 2-21.

- * Demerjian, P., B. Lev, and S. McVay. (2012), "Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Tests". *Management Science*, 58 (7). Available at <https://doi.org/10.1287/mnsc.1110.1487>
- * De Bos, A Donker, H, (2004). Monitoring Accounting Changes: Empirical
- * Ningtias, D. E., Shonhadji, N. (2018). The Effect of Political Costs, Risk Litigation, Investor Protection Debt to Equity Ratio and Quality Audit Committee on the Quality of Accounting Information. *Advanced Science Letters*, 24(7): 4878-4881

یادداشت‌ها

¹ Alves et al

² Chen

³ Kolmogorov-Smirnov

⁴ Panel data

⁵ Pooled data

⁶ Chaw test

⁷ Panel data

⁸ Hausman test